

پیام به رفقای اعتصابی در پاریس

کمیته هماهنگی برای کمک - محمود صالحی

شنبه ۶ تیر ۱۳۸۸

دوستان و گرامیان، حسین مقدم، طاهره شمس،

احمد بخردطبع، حسن حسام، کیومرث عزتی و جواد جوادی

نزدیک به یک هفته است که از اعتصاب غذای شما در حمایت از کارگران و فعالین کارگری دستگیر شده در مراسم اول ماه مه سال ۸۸ و دستگیر ی های اخیر مردم ایران می گذرد.

هدف و نیت شما در انعکاس این دستگیریها و حمایت از کارگران و فعالین کارگری و در افشای این قبیل اعمال که در ارتباط با تهدید و سرکوب جنبش کارگری و سایر جنبش ها ی اجتماعی مردم ایران صورت می گیرد، قابل تقدیر است.

ما ضمن احترام به این اقدام انقلابی شما، از کلیه اعتصاب کنندگان تقاضا می کنیم که از همین امروز (جمعه ۸۸/۴/۵) به اعتصاب خود پایان داده و شاداب و تندرست در عرصه هایی دیگر به مبارزه خود با نظام ضد کارگری سر مایه داری ادامه دهید.

بر عزم راسخ تان درود می فرستیم و آرزو می کنیم که همیشه تندرست و شاد کام باشید.

تندرستی، شادابی و موفقیتان آرزوی ماست.

"کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

۵ تیر ۱۳۸۸

به رفقای اعتصابی در فرانسه

عزیزان ندیده: احمد بخردطبع، جواد جوادی، حسن حسام، حسین مقدم، طاهره شمس و کیومرث عزتی

دستان را به گرمی می فشارم و در مقابل احساس انقلابی و نیت مبارزاتی شما سر تعظیم فرود می آورم.

عزیزان، اعتصاب غذا شاید برای کسانی که حتی یک وعده هم نمی توانند آن را تحمل کنند، خیلی راحت و بدون مکث از آن بگذرند. اما برای کسانی که تنها یک روز به اعتصاب غذا اقدام کرده اند عینی و ملموس است که چه عواقبی در انتظار یک فرد اعتصابی است.

ضمن تأیید هدف انقلابی شما، لازم می دانم که چند نکته را به عرض برسانم.

۱- در این شکی نیست که رفقای ما و معترضین حق خواه نباید در زندان باشند و باید به مبارزات روا توسل جست و سرمایه داران را واداشت فعالین کارگری و سایر زندانیان سیاسی را آزاد کنند.

۲- هر تاکتیکی که برای تحقق این هدف انتخاب میشود باید با کمترین هزینه همراه بوده و قدرت بسیج داشته باشد. من هم اکنون ضمن اندیشیدن به هدف عالیتان به فکر تندرستی شما نیز هستم.

۳- اگر من در زندان اقدام به اعتصاب غذای خشک کردم از روی ناچاری نبود، بلکه خیلی آگاهانه و از پیش تعیین شده بود. اما چون در شرایط مشخصی و جای معینی بود، توانستم نتیجه مثبت آن را ببینم.

۴- اعتصاب شماعزیزان شاید در یک شرایط مشخص و مرکز معینی باشد، اما برای کسانی که ما در مقابل آنان به اعتصاب غذا متصل شدیم، هیچ هزینه ای برای آنان در بر نداشته باشد و شماعزیزان باید در مرکزی به این عمل انقلابی خود اقدام می کردید که در کارهای روزانه دشمنان طبقه کارگر اختلال ایجاد می کرد.

یک بار دیگر ضمن تائید این شجاعت شما عزیزان، از شما بعنوان یک هم طبقه می خواهم که به این اعتصاب پایان دهید. همین که شما عزیزان عملاً وارد مبارزه برای رهایی فعالین کارگری و سایر زندانیان سیاسی شدید برای ما کارگران خوشحالی عمیقی بود و ما امید داریم که از امروز به بعد بتوانیم آن را در محیطی گسترده تر سازماندهی کنیم و مبارزه برای آزادی زندانیان روز جهانی کارگر و سایر مبارزین و معترضین را به یک وزنه تبدیل کنیم. ما کارگران برای رسیدن به خواست و مطالبات خود جز نیروی خود نباید به هیچ نیروی متکی باشیم.

نیروی ما در اتحاد ماست، باید برای این اتحاد با تنی سالم و خیالی آسوده در محل کار و زیست طبقه کارگر اقدام کنیم. عزیزان، به پاس احترام به اقدام مبارزاتی شما و برای اینکه از خواست و مطالبات من در زمان اعتصاب در زندان اطلاع پیدا کنید، برای اولین بار متن کامل اعلام اعتصاب غذای خود را که برای مسئولان زندان فرستاده بودم، در این جا انتشار می دهم با این امید که مفید واقع گردد.

متن کامل نامه :

ریاست محترم زندان مرکزی سنندج

با سلام :

احتراماً! اینجانب محمود صالحی فرزند محمد با شماره شناسنامه ۸۷۰ صادره از سقز که به تحمل یک سال حبس محکوم یافته و قریب به ۱۲ ماه است در زندان مرکزی سنندج محبوس می باشم، با وضعیت وخیم جسمانی که تمامی مسئولین قضائی و پرسنل زندان کم و بیش از آن اطلاع دارند و برای آنان محرز است. از یک طرف بر خورد غیر منطقی قانونگذاران و مجریان چشم و گوش بسته و اطاعت کور کورانه از فرامین آنان از طرفی دیگر و همچنین ناملایمات و نابسامانیها و تناقض گوئی حاکم بر دستگاه های زیربط که بر هیچ کس پوشیده نیست و عدم انطباق با قانون اساسی و مغایرت داشتن آشکار شعار و عمل ، مجامع بین المللی را نیز وادار به واکنش نموده است.

اینجانب از تاریخ ۸۶/۱۲/۲۷ رسماً اعتصاب غذای خشک را اعلام می دارم و تا رسیدن به خواست و مطالبات مشروع و انسانی و احقاق حقوق حقه مظلوم واقع شدگان و تحقق در راه رسیدن به این امر مهم اعتصاب غذای خود را ادامه داده و خواسته های خود را به شرح زیر اعلام می دارم .

۱ - پایان دادن به دستگیری فعالان کارگری، زنان، معلمان، دانشجویان و روزنامه نگاران.
۲ - رسیدگی به احکام اصداری غیر عادلانه به وسیله قضات که می توان آن را احکام فله ای نامید . لازم به توضیح است که بعضاً چنین احکامی غیابی و به افراد تحمیل شده.

۳ - لغو تبعید تمامی زندانیان سیاسی که همین امر موجبات تحمل هزینه های سرسام آور را با توجه به اوضاع اقتصادی حاکم بر کشور به خانواده های زندانی .

۴ - لغو کلیه بازداشت های موقت از طرف مراجع قضائی.

۵ - با توجه به برنامه غذائی زندانیان که تامین غذا برای ۷۰۰ نفر زندانی می باشد، قطعاً کارشناس مربوط به امور تغذیه را در کنترل کمی، کیفی و نحوه توزیع می طلبد.

۶ - توجه به نگهداری و مراقبت انسانانه از هر زندانی که از وظایف مهم زندانبان به شمار می آید، اما شایان ذکر است که اینجانب در مدت زندانی خود ۳ بار مورد هتاک، فحاشی و حمله آقای قاسم رحمانی یکی از ماموران زندان واقع شده ام که تداعی ما وقع علاوه بر جسم، روح و روان را نیز آزار می دهد.

۷ - نیاز به اعزام زندانیان مریض زیر نظر پزشکان متخصص که موارد فوق را بارها و به کرات به وسیله جوامع پزشکی گوشزد شده، اما بی توجهی به آن جای بسی سؤال است.

<<ضمناً" به لحاظ جلوگیری از هرگونه تحریف در نوشته فوق، خواهان انعکاس این نامه از طریق رسانه های جمعی می باشم >>

با تشکر: زندانی محمود صالحی .

زندان مرکزی سنندج بند پاک ۲ اطاق یک تاریخ ۸۶/۱۲/۲۷

قابل ذکر است زمانیکه من را در تاریخ ۸۶/۱۲/۲۷ به نزد قاضی مبارکی فرستادند تا از من بازجویی به عمل آورد، بعد از اینکه قاضی مبارکی حکم بازداشت موقت من را صادر کرد من هم رسماً اعتصاب غذای خشک خود را به قاضی اعلام کردم.

دوستان عزیز:

درکشور ما و در زندان، زمانی اعتصاب غذا وارد فاز رسمی می شود که هر وعده غذای که توسط زندانبان به زندانی داده می شود فرد اعتصابی آن را به وکیل بند بدهد و ایشان هم غذای تحویلی را به افسر نگهداری داخلی ببرد و آن را صورتجلسه کنند. این صورتجلسه در پرونده زندانی ثبت و به دادستانی فرستاده می شود. در غیر اینصورت اعتصاب غذا در زندان نه رسمی است و نه وجود خارجی دارد.